

رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در میان شهروندان تهرانی

دکتر جعفر هزار جریبی*

محبوبه حامد**

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۲

چکیده

نظم و امنیت از شاخص‌های اساسی رفاه انسان‌ها محسوب می‌شوند و چرخ‌های رشد و تعالی جامعه و افراد آن در گرو تامین این نیاز اساسی است. در این پژوهش سعی شده است با بررسی رابطه اعتماد اجتماعی (به عنوان عنصری اجتماعی) و احساس امنیت در میان شهروندان تهرانی به راهکارهایی برای ارتقاء این مهم دست یابیم.

روش تحقیق حاضر پیمایشی بوده و شهروندان تهرانی بالای ۱۵ سال ساکن در ۲۲ منطقه تهران، جامعه آماری آن را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است.

Jafar_hezar@yahoo.com

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

** دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی mahboube.hamed@yahoo.com

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که احساس امنیت از حیث سن و تحصیلات متفاوت است. سن و احساس امنیت رابطه مثبت اما تحصیلات و احساس امنیت رابطه منفی با یکدیگر دارند. اما در میان زنان و مردان تفاوت معناداری در احساس امنیت دیده نشد. همچنین رابطه مثبتی میان اعتماد و احساس امنیت برقرار است. از سوی دیگر احساس امنیت شهروندان تهرانی در سطح متوسط به پایین می‌باشد.

با ارتقاء اعتماد اجتماعی می‌توان بر احساس امنیت افزود. با توجه به همبستگی نسبتاً قوی میان اعتماد نهادی و احساس امنیت، می‌توان با بهبود عملکرد نهادها و جلوگیری از جرایم نرم افزاری درون سازمان‌ها به ویژه سازمان‌هایی که متولی برقراری نظم اجتماعی هستند، همچنین با کار فرهنگی- تربیتی در زمینه افزایش اعتماد تعمیم یافته، به افزایش احساس امنیت به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی رفاه اجتماعی و توسعه یاری رساند.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت

فکری، امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی

مقدمه و بیان مساله

امنیت و احساس امنیت از موضوعات بین رشته‌ای است که در سال‌های اخیر به آن توجه ویژه‌ای شده است. هر یک از حوزه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، مطالعات امنیتی، علوم سیاسی و حتی فلسفه از منظر خاصی به زوایای متفاوتی از امنیت و احساس امنیت پرداخته‌اند.

امنیت به واسطه این که همواره از دغدغه‌های بشری در طول تاریخ بوده است بنابراین همواره در نظریات متفکران و علما قابل پی‌گیری و شناسایی است. اگر چه در بسیاری از مکتوبات از جمله آثار افلاطون و ارسطو به صورت شفاف و واضح به مساله

امنیت پرداخته نشده است اما می‌توان گفت آنها موضوع امنیت را به عنوان یکی از کار ویژه‌های اصلی حکومت‌ها مورد تاکید قرار داده‌اند. «ارسطو به تقریب و افلاطون به تاکید "عدالت" را به عنوان بنیادی‌ترین وسیله و ابزار حکومت برای نیل به امنیت تصور کرده‌اند.» (بیات، ۱۳۸۸: ۱۳).

احساس امنیت با طرح مسائلی چون جامعه خطرپذیر، امنیت وجودی و امنیت ذهنی و رفاه اجتماعی، در قرن بیستم بعد از دهه ۶۰ میلادی وارد مطالعات تجربی شد و مطالعات و پژوهش‌های متعددی با سنجش "موقعیت‌های خطر زا" به‌اندازه‌گیری و سنجش احساس امنیت پرداختند؛ بدین گونه ادبیات نظری احساس امنیت فراتر از ادبیات نظری خود "امنیت"، توسعه و گسترش پیدا کرد. نمی‌توان احساس امنیت را روی دیگر سکه امنیت در نظر گرفت چرا که احساس امنیت را باید به عنوان موضوعی مستقل در نظر گرفت که «در فضای جامعه با منطق خاصی تولید، حفظ و باز تولید می‌شود» (بیات، ۱۳۸۸: ۹). مطرح شدن مسائلی چون جامعه خطر پذیر، امنیت وجودی و امنیت ذهنی و رفاه اجتماعی، مستلزم توجه بیشتر به احساس امنیت است و برخی از نظریه پردازان، موضوع احساس امنیت را از حیث اهمیت و ضرورت توجه، بر خود "امنیت" ترجیح می‌دهند و تجزیه و تحلیل و مطالعه ابعاد گوناگون آن را در شرایط امروز جامعه، مهمتر از موضوع امنیت می‌دانند.

از آنجا که «این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است و فقط به شاخص‌های امنیت قابل تقلیل نیست.» (دلاور، ۱۳۸۴: ۵) همچنین افراد متفاوت به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی افراد باهم متفاوت است، برداشت‌های ذهنی آنها نیز از واقعیت‌های گوناگون و نیز احساسی که آنها در مواجهه با آنها خواهند داشت

با هم متفاوت است. همین برداشت‌ها مهمترین نقش را در ایجاد احساس امنیت و یا ناامنی در افراد بازی می‌کند. امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان و از شاخص‌های توسعه است و تامین نظم و امنیت بخودی خود برای حیات جوامع از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است.

احساس امنیت نقش مهمی در کنش کنشگران بازی می‌کند. از دیدگاه پارسونز کنش شامل همه رفتارهای انسانی است که انگیزه و راهنمای آن معنایی است که کنشگر آنها را در دنیای خارج کشف می‌کند، توجهش را جلب می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد. اما این کنش اجتماعی با ذهنیت کنشگر تفسیر می‌شود، یعنی بر مبنای ادراکی که از محیطش دارد، احساساتی که او را بر می‌انگیزد، افکاری که در سر دارد، انگیزه-هایی که او را به عمل و واکنش‌هایی که در برابر کنش‌های خودش دارد (روشه، ۱۳۷۶: ۵۶). بنابراین توجه به احساس امنیت از مقوله امنیت مهمتر می‌نمایند به ویژه که احساس امنیت عنصری سرایت‌کننده است. بدین معنی که احساس امنیت یا عدم امنیت در یک بخش از زندگی، می‌تواند حوزه‌های دیگر زندگی را تحت تأثیر قرار دهد، همچنین این احساس می‌تواند به وسیله کنش‌های متقابل افراد به دیگر اقشار و یا بخش‌های جامعه سرایت کند.

در رویکرد مطالعات امنیتی دو دسته از نظریه‌ها و نظریه پردازان جای می‌گیرند که عبارتند از: طیف سنتی و طیف مدرن (اجتماعی). در مطالعات سنتی، امنیت و احساس امنیت به عنوان فراغت ذهنی و عینی از تهدید تعریف می‌شوند و در رویکرد اجتماعی (مدرن) امنیت و احساس امنیت در بستر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تبیین و تعریف می‌شوند. به عقیده «پیتر کاتزنشتاین»^۱ علت این تغییر این است که «درک سیاسی انسان معاصر به میزان زیادی تحت تأثیر ساخت‌ها و مولفه‌های اجتماعی قرار گرفته و همین

1. peter kazenstein

امر منجر شده است که چارچوب‌های نظری سنتی که بیشتر "قدرت محور" بودند کارایی خود را از دست بدهند و نسل تازه‌ای از نظریه‌ها متولد شوند که داعیه "اجتماع محوری" دارند» (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲) این روند تمام حوزه‌های مطالعاتی انسان را تحت تاثیر قرار داده است. در حوزه جامعه‌شناسی، احساس امنیت در یک نظام اجتماعی بر بستر عامل - ساختار تبیین شده است و از این حیث احساس امنیت به عنوان یک احساس ذهنی کنشگر در فرآیند زیست اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (بیات، ۱۳۸۸: ۱۰).

مطالعات زیادی در زمینه امنیت و شاخص‌های تاثیر گذار بر آن صورت پذیرفته است. از جمله شاخص‌های موثر بر امنیت، سرمایه اجتماعی است. این رابطه به قدری قوی است که برخی آنها را دو روی یک سکه می‌دانند. سرمایه اجتماعی به دو صورت و بر اساس دو کارکردش بر امنیت اجتماعی موثر واقع شده و آن را تبیین می‌کند، که این دو کارکرد عبارتند از: «۱- منبعی برای کنترل اجتماعی، ۲- به عنوان منبعی برای حمایت اجتماعی» (جعفری، ۸۶: ۱۸).

کنترل اجتماعی و پیوند اجتماعی از عناصر ذاتی تئوری محدودیت اجتماعی اند. هیرشی و سمپسون به نقش کنترل اجتماعی غیر رسمی تاکید می‌نمایند. هیرشی بر این باور است که رفتارها و کنش‌های انحرافی نتیجه گسستگی یا تضعیف رابطه، پیوستگی و تقید افراد جامعه است. هنگامی که پیوستگی و رابطه با دیگر اعضای جامعه قوی است افراد کنترل خواهند شد. (salmi & kivivuori 2006؛ به نقل از جعفری، ۱۳۸۶: ۱۹).

پاتنام معتقد است سرمایه اجتماعی پیوند میان افراد را تقویت می‌کند. پیوندهای متقابل موجب ارتقاء همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه می‌شود و در نتیجه

نیروهای همبستگی اجتماعی بر شرایط گسیختگی اجتماعی فائق آمده و باعث می‌شوند که احساس گم‌گشتگی، اضطراب و اندوه از میان انسان‌ها رخت بریندد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

«فوکوباما از اعتماد به مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزش‌های جمعی شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کند. اوسلانر نیز اعتماد تعمیم یافته را ایده سرمایه اجتماعی که با ارزش‌های مشترک، منافع شخصی و شکل‌دهی به پایه‌های کنش جمعی پیوند دارد، تعریف می‌نماید. آلمون و وربا اعتماد به یکدیگر را شرط تشکیل روابط ثانوی می‌دانند. زتومکا نیز اعتماد را نوعی شرط بندی نسبت به کنش‌های دیگران در آینده می‌داند» (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۰ : ۹).

این پژوهش در سنجش میزان احساس امنیت، تا حدودی فراغت از تهدیدها را در نظر گرفته اما بیشتر رویکرد اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. از منظر رویکرد اجتماعی امنیت و احساس امنیت در بستر زمینه‌های اجتماعی تبیین و تعریف می‌شوند. اعتماد اجتماعی، به عنوان شاخصی مهم در کنش اجتماعی، یکی از زمینه‌های اجتماعی است که می‌تواند بر احساس امنیت افراد مؤثر واقع شود. این پژوهش به بررسی این مساله می‌پردازد که چقدر احساس امنیت می‌تواند از مولفه اجتماعی دیگری یعنی اعتماد اجتماعی تاثیر بپذیرد.

در مجموع احساس امنیت و ضریب امنیت بالا یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی و بسامان بودن جوامع است. همچنین احساس امنیت خاطر، یکی از عمده‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی است که نبود آن حتی بر خورداری از سایر شاخص‌های رفاه اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

همان طور که گیدنز (۱۳۷۷) معتقد است با توجه به فاصله‌گیری زمانی و مکانی که ویژگی جوامع جدید است اعتماد اهمیت دوچندان می‌یابد، چرا که که این

فاصله‌گیری امکان نظارت دائمی بر کنش و عملکرد افراد بر یکدیگر را از بین برده و افراد جز با اعتماد کردن به یکدیگر قادر نخواهند بود با یکدیگر ارتباط برقرار و در کنش متقابل با یکدیگر شرکت کنند. به عبارتی دیگر عدم اعتماد یعنی فلج شدن نظم اجتماعی. در این صورت است که فرد در هیچ نوع کنش اقتصادی و اجتماعی احساس امنیت نمی‌کند و دائم در انتظار وقوع کنش و واکنش‌های منفی افراد جامعه است. با کاهش امنیت، آرمان‌های فرد تخفیف می‌یابد. تعالی جامعه، رشد فکر و اندیشه، توسعه و رشد استعدادها، همگی ریشه در عنصر امنیت دارند. بحرانی بودن احساس امنیت قطعاً در رفتار شهروندان تأثیر مخربی خواهد نهاد و آنان را از ایجاد روابط مطلوب و پیشرفت فردی ناتوان خواهد ساخت.

وضعیت فعلی جامعه ما لزوم توجه به مسئله امنیت شهروندان در ابعاد و زوایای گوناگون را ضروری ساخته است. بحرانی بودن احساس امنیت قطعاً در رفتار شهروندان تأثیر مخربی خواهد نهاد و آنان را از ایجاد روابط مطلوب و پیشرفت فردی ناتوان خواهد ساخت. در واقع زیستن توأم با اضطراب و ترس طبق گفته روانشناسان وضعیت خوشایندی نیست. پرداختن به موضوع امنیت به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه و رفاه اجتماعی از این رو ضروری است که با کاهش امنیت، آرمان‌های فرد تخفیف می‌یابد؛ تعالی جامعه، رشد فکر و اندیشه، توسعه و رشد استعدادها، همگی ریشه در عنصر امنیت دارند. علاوه بر این دغدغه کاربردی، این پژوهش سعی خواهد داشت به بررسی رابطه و پیوند اعتماد اجتماعی با احساس امنیت در شهروندان تهرانی پرداخته تا از این طریق به راه حلی برای ارتقاء احساس امنیت در شهروندان دست یابیم.

چارچوب نظری تحقیق

بدیهی است که در رابطه با امنیت، رویکردهای گوناگونی مطرح گردیده است. به بیان دیگر هر رویکرد بر مفروضات خاصی استوار است و عوامل متعددی بر میزان امنیت

موثر هستند. اما به طور کل می‌توان گفت در چند سال اخیر امنیت از لحاظ مفهومی دچار نوعی تحول شده است. دیدگاه‌های کلاسیک بر نقش دولت تاکید داشته و امنیت را در بُعد کلان مورد توجه قرار می‌داده‌اند و اغلب آن را در شکل ملی و در ارتباط با سایر کشورها و دولت‌های دیگر در نظر می‌گرفته‌اند و برداشت آنها از مفهوم امنیت بُعد عینی تری داشته است. در مقابل هر چه به زمان معاصر نزدیک می‌شویم امنیت در تمام ابعاد اهمیت می‌یابد که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از آن جمله‌اند.

اندیشمندان معاصر این حوزه با توجه به شرایط عصر حاضر و لزوم توجه به تمام وجوه این مهم در صدد هستند تا امنیت را با تمام خرده نظام‌های جامعه ارتباط دهند. در این راستا، صاحب‌نظرانی چون بوزان، ویور، مولار و میتار و... ابعاد تازه‌ای از امنیت را اظهار داشته‌اند و بر ذهنی - روانی بودن این مقوله توجه مبذول داشته‌اند. علاوه بر اختلاف نظر در دیدگاه‌های صاحب‌نظران قدیم و جدید حوزه امنیت، حتی در پاره‌ای اوقات پاسخ دیدگاه‌های گوناگون به یک سؤال، تفاوتها را نمایان‌تر می‌سازد. هورل در این زمینه به تفاوت دو دیدگاه توسعه‌گرایان و واقع‌گرایان اشاره میکند. به اعتقاد او از دیدگاه توسعه‌گرایان پاسخ به سؤال اساسی «امنیت چه کسی؟» را دیگر نمی‌توان به طور دقیق در امنیتی که منحصرأً به "دولت" مربوط می‌شود و یا اینکه دست کم اولویت اول را در فرآیند تأمین امنیت به دولت می‌دهد (چیزی که مورد تأیید واقع‌گرایان یا دیدگاه سستی قرار دارد) جستجو کرد. به عبارت دیگر، موضوع امنیت باید در سطحی پایینتر از دولت، یعنی افراد و سایر اجتماعاتی که با تهدیدات برای رفاه و هستی خود مواجه هستند و در سطحی بالاتر از دولت، یعنی انسانیت به طور کلی - مردم در کل و نه شهروندان یک دولت خاص - بررسی شود (امیر کافی، ۱۳۸۸: ۳).

در ادبیات نظری پیرامون امنیت،^۱ دو دیدگاه کلان «نبود تهدید» و «کسب فرصت‌ها» طرح گردیده است (مک کین لاین / لیتل، ۱۳۸۰: ۲۹-۱۳). در واقع، امنیت در دو طیف «نفی خطرات» و «دریافت منافع» معنا شده است. به طوری که در صورت وجود دو شرط کلی می‌توان تحقق امنیت را ادعا نمود. اول آنکه خطر و تهدیدی وجود نداشته باشد و در حالت بعدی زمانی که امکان کسب منافع و دستیابی به اهداف فراهم باشد (نویدینیا، ۱۳۸۴: ۳۷).

از نظر بوزان امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: «نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی». امنیت نظامی یا ظرفیت‌های دفاعی و تهاجمی دولت‌ها با ظرفیت نظامی دولت‌های دیگر مرتبط است. به دلیل استفاده از زور، کنش‌های درون بخش نظامی به عنوان تهدیدهای ممکن برای همه بخش‌های دیگر در نظر گرفته می‌شوند. و از اینرو به طور سنتی بیشترین اولویت را در مفاهیم امنیت کسب می‌کنند. امنیت سیاسی در مورد ثبات سازمانی دولت است و ممکن است در جهت سرنگون کردن حکومت و یا دفاع از ایدئولوژی‌ها و نهادهای حکومتی، هدایت شود. به عبارت دیگر، امنیت سیاسی ناظر بر تداوم سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشند. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند و با هویت اجتماعی و احساسات مشترکی که یک واحد جمعی را می‌سازد، مرتبط است. در واقع امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. امنیت اقتصادی به معنای دسترسی به منابع مالی، طبیعی، انسانی و... است، یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشند. هدف امنیت در این باب حفظ و رسیدن به سطوح قابل

قبولی از رفاه می‌باشد. *امنیت بوم شناختی* (زیست محیطی) اشاره دارد به حفظ کردن زیست جهانی و محلی. تهدیدهای این بخش ممکن است به شکل زلزله، طوفان یا تهدیدهایی مانند آلودگی‌های فرامرزی باشد که در اشکال گوناگون به عنوان امنیتی پدیدار شوند. پس امنیت زیست محیطی ناظر بر حفظ محیط محلی و جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است، می‌باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند و با هویت اجتماعی و احساسات مشترکی که یک واحد جمعی را می‌سازد، مرتبط است. در واقع امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سستی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲) به عبارتی دیگر بوزان معتقد است که امنیت اجتماعی به مقابله با خطراتی می‌پردازد که به صورت نیروی بالقوه یا بالفعل هویت افراد جامعه را تهدید می‌کند. عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد و در واقع هویت گروه را به مخاطره اندازد تهدیدی برای امنیت اجتماع محسوب می‌شود. بدین جهت است که بوزان مفهوم ارگانیک‌کی امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌کند. (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۵) در واقع این احساس وابستگی و تعلق که میان اعضای گروه وجود دارد، باعث می‌شود گروه اجتماعی سامان گیرد. گروه اجتماعی آن کلیتی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باور، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و باعث می‌شود آنها بتوانند به این کلیت با عنوان "ما" نگاه کنند.

بوزان بر درک مفهوم امنیت اجتماعی (امنیت جامعه‌ای) به عنوان هویت تاکید کرده و یک اشتباه مفهومی در باب "societal" را یادآور می‌شود. به نظر بوزان امنیت

اجتماعی نبایستی با تأمین اجتماعی^۱ یکسان در نظر گرفته شود، زیرا تأمین اجتماعی در باره افراد و به طور گسترده‌تر در اقتصاد مطرح است ولی امنیت اجتماعی درباره جمع‌های بشری و هویت‌شان می‌باشد و به سطح افراد و به طور اخص به پدیده‌های اقتصادی قابل تقلیل نیست، بلکه به سطح هویت‌های جمعی و کنش‌هایی که به منظور دفاع از هویت‌ها، با عنوان ما صورت می‌گیرد. (بیات، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۷) بنابراین برای جلوگیری از تداخل مفاهیم لازم است تأکید شود که منظور از امنیت اجتماعی در این پژوهش امنیت جامعه‌ای است و نه تأمین اجتماعی.

امنیت اجتماعی^۲ از نگاه بوزان به قابلیت الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است. (نویدنیایا، ۱۳۸۵: ۴۰). از این منظر با حفظ عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه، تحقق شرایط امن برای بقا و تداوم جامعه میسر می‌شود.

به عقیده «ویور» امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی قابل طرح نیست بلکه مفهوم هم‌پراز امنیت اجتماعی، امنیت ملی است، چرا که امنیت اجتماعی در شرایط کنونی مرجع امنیت ملی می‌باشد. امنیت اجتماعی ناظر بر مبادلات اجتماعی و استفاده از آنها به مثابه فرصتی برای اطمینان بخشی و اعتماد سازی است (نویدنیایا، ۱۳۸۲: ۶۷).

مولار معتقد است امنیت در سه شکل ملی، اجتماعی و انسانی وجود دارد. که مقام مرجع در امنیت ملی دولت، در امنیت اجتماعی، گروه‌های اجتماعی و در امنیت انسانی، تک تک افراد هستند (صمدی، ۱۳۸۴: ۳۷). مفهومی که مولار از امنیت اجتماعی مطرح می‌کند با توجه به دگرگونی‌های هویتی ناشی از جهانی شدن و کاهش کنترل حکومت‌ها بر ملت‌ها است که باعث شده است در عصر جهانی شدن «صورت‌های هویتی به منزله نوعی مقاومت بروز کنند» (صمدی، ۱۳۸۴: ۳۷). از نظر مولار امنیت اجتماعی عبارت است از: «قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل

1. Social Security
2. Societal Security

الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، مذهب، هویت ملی و رسوم» (مولار به نقل از نوید نیا، ۱۳۸۲: ۶۱). از دیدگاه مولار امنیت اجتماعی ناظر بر توانایی پاسداشت یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر مرتبط می‌سازد: به عنوان نمونه اگر زنجیره اتصال اقلیتی، ملیت آنهاست، امنیت اجتماعی آنها عبارت است از: دفع دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که به ویژگی خاص آنها مربوط می‌شود. به نظر مولار امروزه با توجه به تعامل ملت‌ها و رنگ باختن مرزهای پیشین، امنیت اجتماعی از اعتبار قابل توجهی برخوردار شده است (صمدی، ۱۳۸۴: ۳۷).

چلبی چهار علقه افضل و عام برای انسان در نظر می‌گیرد که می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد. علقه شناختی (فرهنگی)، علقه مادی (اقتصادی)، علقه جمعی (اجتماعی)، علقه امنیتی (سیاسی). در بُعد علقه امنیتی انسان به عنوان موجود هدفمند و بالقوه مضطرب، جهت حفظ آرامش و صیانت خود در ارتباط با محیط‌های اجتماعی درصدد تحقق اهداف خود است. می‌توان گفت که توافق اساسی در تعریف و تمایز روشن چهارمقوله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود ندارد. آنچه که به مساله این پژوهش ربط می‌یابد بیشتر بُعد سیاسی نظم اجتماعی است، چرا که امنیت در آن قرار گرفته است و از نظر تحلیل، سیاست در ناب‌ترین شکل اثباتی خود قابل تحول به پنج عنصر اصلی و در عین حال مرتبط به هم است شامل: زور، علقه امنیتی، کنش‌های عاطفی، کنشگران و رابطه اجباری.

از دیدگاه چلبی برای علقه امنیتی می‌توان چهار بعد اساسی در نظر گرفت:

- امنیت مالی (اقتصادی)
- امنیت جانی/بهداشتی (سیاسی)
- امنیت جمعی (اجتماعی)
- امنیت فکری (چلبی، ۱۳۸۳: ۳۲)

امنیت اقتصادی به برخورداری افراد از درآمد پایه، یا از طریق اشتغال درآمدزا یا به وسیله شبکه سلامت (تأمین) اجتماعی، اطلاق می‌شود. (باجپایی، ۱۳۸۴: ۴۲) لازمه

امنیت اقتصادی داشتن شغل مطمئن و درآمدزا می‌باشد. همچنین امنیت مالی و اقتصادی به معنی نداشتن نگرانی نسبت به از دست دادن دارایی و درآمد است. منظور از امنیت جانی احساس فرد برای حفاظت از سلامت و زندگی اش در مقابله با تهدیدات بیرونی اعم از اجتماعی، محیطی، و بهداشتی است که وجود و کیفیت سلامتی اش را به خطر می‌اندازند. احساس امنیت جانی، نداشتن نگرانی از آسیب دیدن جسم و جان در اثر حوادث و بیماری‌های سخت است. احساس امنیت جمعی (اجتماعی) به احساس فرد برای شرکت آزادانه در گروه‌ها، انجمن‌ها و احزاب گوناگون و نیز حفظ این گروه‌ها اشاره دارد به گونه‌ای که از سوی دولت یا گروه‌های اجتماعی دیگر مورد تهدید و تبعیض و تعرض قرار نگیرد و افراد نگرانی برای تعاملات بر پایه تجمعات آیینی، سیاسی، صنفی و... نداشته باشند. منظور از احساس امنیت فکری، نداشتن نگرانی نسبت به بیان آزادانه افکار و نظرات خود است بدون اینکه مورد تویخ و تنبیه قرار گیرد. به عبارت دیگر فرد در بیان افکار و نظرات خود احساس دلهره و نگرانی نداشته و دچار پریشانی فکری نباشد.

چلبی نا امنی را ناشی از تضعیف اعتماد اجتماعی فرض کرده که خود ریشه در سیاسی شدن نظم اجتماعی دارد. به بیان او در صورتی که نظم اجتماعی در اجتماعی بیشتر صبغه سیاسی به خود گیرد و ابعاد اجتماعی - فرهنگی آن تضعیف شود، یعنی ضعف در اجتماع عام و وفاق اجتماعی عام، به همان نسبت نیز روابط بین کنشگران در تمام سطوح بر اساس سوگیری عاطفی و خاص‌گرایی به صورت دوست و دشمن تعریف می‌شود و به همان نسبت میزان اعتماد اجتماعی متقابل و تعمیم یافته تضعیف گشته و علقه امنیتی آنها برجسته می‌گردد. در چنین نظمی افراد و گروه‌ها احساس امنیت مالی، جانی، فکری و جمعی نمی‌کنند. در غیاب طراوت فرهنگی - اجتماعی، انسان‌ها جهت پاسخگویی به نیازهای خود مجبور هستند به صورت حیوانات سیاسی با یکدیگر رابطه برقرار نمایند. رابطه‌ای که به بیان هگلی ارباب نوکری است و ملاک حق نیز، زور است (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۶).

اعتماد یک عنصر اختیاری و آگاهانه است که مستلزم پیش بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. اعتماد همانند یک منبع اخلاقی است که ذخیره آن در حین استفاده به جای کاهش افزایش می‌یابد و در صورت عدم استفاده، کاهش می‌یابد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۰-۲۹۲). زمانی که افراد به یکدیگر اعتماد داشته باشند و یا به عبارتی رفتار انسان‌ها برای یکدیگر قابل پیش‌بینی باشد آنها در برخورد با یکدیگر احساس امنیت بیشتری می‌کنند.

همچنین سامپسون از نظریه پردازان رویکرد اجتماعی معتقد است «که وجود ارزش‌های مشترک مستحکم، کنترل پیوندهای اجتماعی قوی، انسجام اجتماعی بالا و سرمایه اجتماعی در میان ساکنان مناطق و محله‌های شهرها می‌تواند باعث توسعه احساس امنیت در افراد شود و در مقابل در شرایطی که در محلات شهرها کنترل اجتماعی به‌ویژه کنترل‌های غیررسمی و پیوندهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی تضعیف شوند، به طور قطع شرایط احساس نا امنی در افراد افزایش خواهد یافت. به نظر او غیرممکن است در فضایی اجتماعی که مقررات و پیوندهای اجتماعی با ابهام مواجه بوده و مردم نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد هستند و در تعامل با همدیگر نیستند، احساس امنیت وجود داشته باشد» (سامپسون به نقل از بیات، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

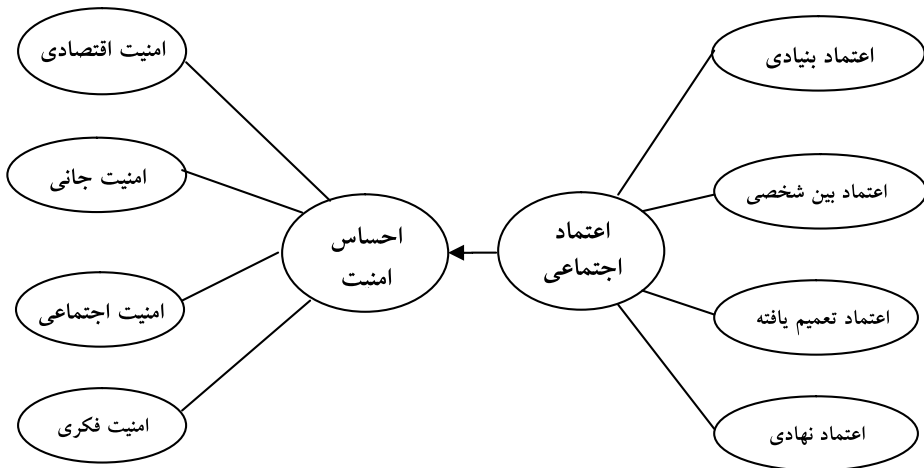
هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان احساس امنیت شهروندان و همبستگی آن با میزان اعتماد اجتماعی ایشان می‌باشد. در کنار این بررسی، همبستگی هریک از شاخص‌های اعتماد با احساس امنیت شهروندان تهرانی نیز بررسی می‌شود.

فرضیه‌های تحقیق

- بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش اعتماد اجتماعی، احساس امنیت در شهروندان تهرانی افزایش می‌یابد.

- رابطه معناداری بین اعتماد بنیادی و احساس امنیت شهروندان تهرانی وجود دارد.
- بین اعتماد بین شخصی و احساس امنیت شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اعتماد تعمیم یافته و احساس امنیت شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اعتماد نهادی و احساس امنیت شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین ویژگی‌های فردی- اجتماعی (سن، جنس و تحصیلات) شهروندان و احساس امنیت ایشان رابطه معناداری وجود دارد.

مدل نظری تحقیق



روش شناسی

روش تحقیق در این پژوهش روش پیمایشی از نوع همبستگی است و جامعه آماری شامل تمام شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن شهر تهران می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۸۵ تعداد ۶۳۹۲۱۹۳ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری، روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد که برای گنجاندن حوزه‌های گوناگون در نمونه، از اصل به حداکثر رساندن تعداد خوشه‌های اولیه منتخب، سود جسته شده است. «اصل کلی، به حداکثر رساندن تعداد خوشه‌های اولیه منتخب و پس انتخاب تعداد نسبتاً معدودی از افراد یا واحد از هر خوشه منتخب است». (دواس، ۱۳۸۶: ۷۶)

بنابراین ۲۲ منطقه تهران در نظر گرفته شده‌اند و در مرحله اول نمونه‌گیری، بلوک‌ها در هر منطقه شناسایی شده و از آنها نمونه‌گیری شد، در مرحله دوم واحدهای مسکونی در داخل بلوک‌ها مشخص گردیده و سرانجام در مرحله سوم یک فرد بزرگسال (۱۵ سال و بیشتر) در هر واحد مسکونی انتخاب شده است. تعداد پاسخگویان در هر منطقه متناسب با تعداد ساکنین آن منطقه بوده و افراد مورد نظر به روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت $d=0/05$ و حداکثر واریانس به ازای $pq=0/25$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۸۴ نفر تعیین گردید، و برای رفع مشکل کسری پرسشنامه‌های نامعتبر احتمالی، ۴۰۰ پرسشنامه پر شد که از این تعداد ۳۹۰ پرسشنامه برای مرحله استخراج معتبر تشخیص داده شد. سهم حجم نمونه در هر منطقه از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای سیستماتیک تعیین شد. داده‌های مورد نیاز از طریق ابزار پرسشنامه و با مصاحبه جمع‌آوری شد. متغیر احساس امنیت با ۴ مؤلفه امنیت اقتصادی، جانی، اجتماعی و فکری مورد سنجش قرار گرفت. همچنین متغیر مستقل یعنی اعتماد اجتماعی توسط ۴ شاخص و به کمک سوالات و گویه‌های گوناگونی مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. پایایی ابزار

اندازه‌گیری با توجه به آلفای کرونباخ برای گویه‌های هر شاخص سنجیده شد که آلفای گویه‌های هر یک از شاخص‌ها به این صورت بود: برای اعتماد بنیادی ۰/۶۹۹، برای اعتماد بین شخصی ۰/۷۶۵ و برای اعتماد تعمیم یافته ۰/۷۶۲، برای اعتبار نهادی ۰/۸۹ و برای احساس امنیت برابر ۰/۷۱ می‌باشد. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از نظر سنجی صاحب‌نظران (اعتبار صوری) و نیز پرسشنامه‌های استاندارد بهره‌جسته شده است. سرانجام داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

سیمای پاسخگویان

توزیع جنسی پاسخگویان به این صورت بود که زنان ۵۲/۳ درصد و مردان ۴۷/۷ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دادند. در این بین ۵۰/۳ درصد پاسخگویان متأهل و ۴۷/۷ درصد مجرد و ۲ درصد نیز همسر خود را در اثر فوت یا طلاق از دست داده‌اند. پراکنش سنی پاسخگویان در گروه سنی ۱۵-۲۴ سال ۳۹ درصد گروه سنی ۲۵-۳۴ سال ۳۶/۹ درصد، گروه سنی ۳۵-۴۴ سال ۱۱/۳ درصد، گروه سنی ۴۵-۵۴ سال ۸/۲ درصد و بالای ۵۵ سال ۴/۷ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. به بیانی دیگر حدود ۶۰ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۱۵-۲۹ سال (جوان) قرار دارند. توزیع پاسخگویان از حیث تحصیلات، ۲/۱ درصد بیسواد، ۱۱/۸ درصد زیر دیپلم، ۳۴/۵ درصد دیپلم، ۴۱/۵ درصد فوق دیپلم و لیسانس، ۱۰/۳ درصد فوق لیسانس و دکتری. به عبارتی ۴۸/۲ درصد بدون تحصیلات عالیه و ۵۱/۸ درصد دارای تحصیلات عالیه می‌باشند. ۹/۱ درصد پاسخگویان در سطح درآمدی پایین، ۲۵/۳ در سطح درآمدی متوسط به پایین، ۲۸ درصد در سطح درآمدی متوسط و ۲۴/۷ درصد در سطح درآمدی متوسط به بالا و ۱۲/۹ درصد در سطح درآمدی بالا قرار دارند.

۴۷/۷ درصد پاسخگویان شاغل و ۴/۶ درصد بیکار و ۴۷/۷ درصد در موقعیت خانه‌دار، بازنشسته، دانشجو، محصل و سایر هستند.

ب) یافته‌های توصیفی

جدول ۱- توزیع پاسخگویان بر اساس میزان احساس امنیت و هریک از شاخص‌های آن به درصد

شاخص	پایین	متوسط به پایین	متوسط	متوسط به بالا	بالا
احساس امنیت اقتصادی	۲۴/۱	۳۸/۵	۳۰/۳	۶/۷	۰/۵
احساس امنیت جانی	۷/۷	۳۴/۴	۴۵/۱	۱۲/۸	۰
احساس امنیت اجتماعی	۲۱/۰	۳۵/۹	۳۲/۳	۹/۷	۱/۰
احساس امنیت فکری	۴۵/۵	۲۲/۷	۱۵/۵	۱۲/۹	۳/۶
احساس امنیت کل	۱۵/۹	۴۵/۶	۳۵/۹	۲/۱	۰/۵

احساس امنیت اقتصادی شهروندان تهرانی در سطح متوسط به پایین قرار دارد، به طوری که بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان از حیث اقتصادی در سطح پایین و متوسط به پایین هستند. احساس امنیت فکری شهروندان تهرانی در سطح پایین است به طوری که کمترین نمره پاسخگویان ۱ و بیشترین آن ۵ است و نما امتیاز ۱ و میانگین ۲/۱ گزارش شده است و به بیانی دیگر حدود ۶۸ درصد پاسخگویان از بیان نظرات خود احساس دلهره می‌کنند. احساس امنیت جانی شهروندان تهرانی در سطح متوسط و متوسط به پایین است. از جدول ۱ می‌توان دریافت که حدود ۸۰ درصد پاسخگویان در هراس از تهدید جان‌شان توسط حوادث و همچنین بیماری هستند. امنیت اجتماعی ایشان نیز در سطح متوسط و متوسط به پایین قرار دارد چراکه تنها حدود ۱۱ درصد

پاسخگویان برای شرکت در جلسات و گروه‌های گوناگون احساس امنیت می‌کنند. احساس امنیت (کل) شهروندان تهرانی در سطح متوسط به پایین می‌باشد. به طور کل پایین بودن نسبی احساس امنیت در تمام مؤلفه‌های احساس امنیت هشدار دهنده بوده و بیانگر لزوم توجه بیشتر به این مقوله است.

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر اساس میزان اعتماد اجتماعی و هریک از شاخص‌های آن به درصد

شاخص	پایین	متوسط به پایین	متوسط	متوسط به بالا	بالا
اعتماد بنیادی	۳۶/۹	۴۳/۴	۱۰/۸	۵/۶	۳/۱
اعتماد بین شخصی	۱	۱۴/۴	۵۰/۳	۲۷/۷	۶/۷
اعتماد تعمیم یافته	۲۹/۲	۳۲/۳	۳۰/۳	۷/۲	۱
اعتماد نهادی	۲۰	۳۶/۹	۳۳/۸	۸/۲	۱
اعتماد اجتماعی	۳/۶	۵۴/۹	۳۵/۹	۵/۱	۰/۵

جدول ۲ نشان می‌دهد که اعتماد بنیادی شهروندان تهرانی در سطح متوسط به پایین است به طوری که حدود ۸۰ درصد پاسخگویان در رده اعتماد پایین و متوسط به پایین قرار دارند، اعتماد بین شخصی شهروندان در سطح متوسط (نیمی از پاسخگویان در این دسته قرار دارند)، اعتماد تعمیم یافته شهروندان در سطح متوسط و متوسط به پایین (حدود ۶۲ درصد در این ۲ دسته قرار می‌گیرند) و اعتماد نهادی شهروندان در سطح متوسط و متوسط به پایین (۷۰ درصد پاسخگویان در این دسته قرار دارند) گزارش می‌شود. اعتماد اجتماعی شهروندان در سطح متوسط به پایین قرار دارد. به طور کل اعتماد در شهروندان تهرانی در سطح متوسط به پایین است که این موضوع تا حدودی بحرانی بودن اعتماد، به عنوان عنصری اساسی در کنش‌های کنشگران را نشان می‌دهد.

جدول ۳- آزمون همبستگی بین شاخص‌های امنیت با شاخص‌های اعتماد

اعتماد اجتماعی (کل)	اعتماد نهادی	اعتماد تعمیم یافته	اعتماد بنیادی	اعتماد بین شخصی		
۰/۲۴۵ (**)	۰/۳۷۱ (**)	۰/۱۵۶ (*)	۰/۱۰۱	۰/۰۱۸	ضریب همبستگی پیرسون	امنیت فکری
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۹	۰/۱۶۰	۰/۸۰۴	سطح معناداری	
۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	۳۸۸	N	
۰/۲۹۵ (**)	۰/۴۴۵ (**)	۰/۲۴۰ (**)	۰/۱۳۲	-۰/۰۹۴	ضریب همبستگی پیرسون	امنیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۶۵	۰/۱۹۲	سطح معناداری	
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	N	
۰/۴۵۳ (**)	۰/۳۶۸ (**)	۰/۳۷۵ (**)	۰/۲۴۱ (**)	۰/۱۵۸ (*)	ضریب همبستگی پیرسون	امنیت جانی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۲۷	سطح معناداری	
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	N	
۰/۲۸۸ (**)	۰/۳۳۷ (**)	۰/۲۹۳ (**)	۰/۰۷۲	۰/۰۱۹	ضریب همبستگی پیرسون	امنیت اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱۷	۰/۷۸۸	سطح معناداری	
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	N	
۰/۴۳۵ (**)	۰/۵۳۴ (**)	۰/۳۵۲ (**)	۰/۱۷۹ (*)	۰/۰۲۶	ضریب همبستگی پیرسون	امنیت کل
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۷۱۶	سطح معناداری	
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	N	

** سطح اطمینان ۹۹ درصد

* سطح اطمینان ۹۵ درصد

با توجه به جدول ۳ می‌توان دریافت که بین اعتماد اجتماعی با تمام شاخص‌های امنیت و نیز امنیت کل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این همبستگی نسبتاً قوی بوده و لزوم رسیدگی به اعتماد برای ارتقاء احساس امنیت، آشکار می‌شود.

بررسی همبستگی میان اعتماد بین شخصی و امنیت جانی رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد را نشان می‌دهد، اما بین این نوع از اعتماد و دیگر شاخص‌های امنیت و نیز امنیت کل رابطه معناداری وجود ندارد.

بین اعتماد بنیادی و احساس امنیت کل با ۹۵ درصد اطمینان رابطه مثبت و معناداری برقرار است و بین اعتماد بنیادی و امنیت جانی با ۹۹ درصد اطمینان رابطه مثبت و معناداری برقرار است، اما این نوع از اعتماد با دیگر شاخص‌های امنیت (اجتماعی، مالی و فکری) رابطه و همبستگی معناداری ندارد.

بین اعتماد تعمیم یافته و امنیت فکری رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بین اعتماد تعمیم یافته و دیگر شاخص‌های امنیت و همچنین بین اعتماد تعمیم یافته و احساس امنیت کل رابطه مثبت و معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. همچنین بین اعتماد نهادی و تمام شاخص‌های امنیت و نیز امنیت کل رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد برقرار است. همان‌طور که دیده می‌شود این همبستگی در سطح نسبتاً قوی است (۰/۵۳۴). این امر توجه به مساله امنیت اعتماد نهادی را، به عنوان عنصری تاثیر گذار بر احساس امنیت و نیز پایین بودن اعتماد نهادی در میان شهروندان تهرانی را دو چندان می‌کند.

جدول ۴- نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون احساس امنیت بر حسب نوع جنسیت

احساس امنیت	تعداد	میانگین‌ها	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	آزمون آماری
زن	۲۰۴	۲/۳۶۵۱	۰/۵۸۹۶۶	۰/۰۵۸۳۸	$t = -۱/۲۱۲$
مرد	۱۸۶	۲/۴۶۵۹	۰/۵۷۰۴۸	۰/۰۵۹۱۶	$sig = ۰/۲۲۷$

با فرض برابری واریانس ۲ گروه (با توجه به تست لون) تفاوت معناداری بین میانگین احساس امنیت دو گروه زن و مرد دیده نمی‌شود و وجود تفاوت معناداری بین نوع جنسیت و احساس امنیت تایید نمی‌شود.

جدول ۵- آزمون همبستگی بین سن و احساس امنیت

آزمون آماری		متغیر مستقل
۰/۱۴۱	آزمون همبستگی پیرسون	سن
۰/۰۴۹	سطح معناداری	

آزمون همبستگی پیرسون برای ۲ متغیر سن و احساس امنیت نشان می‌دهد که وجود چنین رابطه‌ای با ۹۵ درصد اطمینان قابل تایید است. مثبت بودن این رابطه بیانگر این است که هرچه سن افراد کمتر است احساس امنیت هم در ایشان کمتر است. نتایج آزمون گاما و سامرز برای دو متغیر تحصیلات (با ۷ طبقه بیسواد، زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکتری و بالاتر) و احساس امنیت (با ۵ طبقه پایین، متوسط به پایین، متوسط، متوسط به بالا و بالا) به صورت جدول آمده است:

جدول ۶- نتایج آزمون آماری رابطه تحصیلات و احساس امنیت

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون آماری	اندازه	سطح معناداری
تحصیلات	احساس	گاما	-۰/۱۲۳	۰/۰۱۲
	امنیت	d سامرز	-۰/۱۵۳	۰/۰۱۲

با توجه به آزمون‌های آماری ترتیبی مشخص می‌شود که رابطه معنادار و معکوسی بین تحصیلات و احساس امنیت برقرار است. به عبارتی هرچه تحصیلات افراد بیشتر است احساس امنیت در آنها کمتر است.

نتیجه گیری

این بررسی از وجود رابطه قوی و معناداری بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت حکایت دارد. به عبارتی همچنان که سامپسون بیان کرده بود اعتماد اجتماعی می‌تواند احساس امنیت در افراد را به دنبال داشته باشد.

وجود اعتماد، فضایی را ایجاد می‌کند که فرد بتواند با آسودگی خاطر و احساس امنیت به فعالیت و کنش‌های مفید اجتماعی بپردازد. در صورت فقدان اعتماد، نظم اجتماعی مختل می‌شود و جریان کنش‌های اجتماعی دچار مشکل می‌گردد و فرد قادر نخواهد بود در هیچ یک از ابعاد زندگی کنش دیگران را پیش بینی کند و دائم در این ترس به سر می‌برد که دیگری که در کنش متقابل با اوست، احتمال دارد به گونه‌ای عمل کند که به ضررش تمام شود و یا این که منافعش را به دلیل منافع خود به خطر اندازد. در چنین فضایی علاوه بر اینکه هزینه‌های افراد در برقراری ارتباط با دیگران افزایش می‌یابد، فرد با اضطراب و دلهره در کنش‌های اجتماعی وارد می‌شود.

همچنین در این پژوهش وجود رابطه بین اعتماد بنیادی و احساس امنیت (کل) تایید شد. گیدنز معتقد است که اعتماد بنیادین در ارتباط با خطرهای احتمالی یا واقعی ناشی از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل، همچون غربال عمل می‌کند. به اعتقاد وی، شیرازه زندگی، چه به مفهوم جسمانی آن و چه به مفهوم روانشناختی‌اش، به طور ذاتی در معرض خطرهای احتمالی قرار دارد. آن برداشت آسیب ناپذیری که احتمالات منفی را، به نفع نوعی حالت امیدوار یکلی، مردود و مطرود می‌شمارد در حقیقت از اعتماد بنیادین الهام می‌گیرد (گیدنز به نقل از امیر کافی، ۱۳۸۸: ۷). بنابراین، می‌توان تصور نمود، افرادی که دست کم برای یک بار با بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیر مدنی مواجه می‌شوند، به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر این رویدادهای ناخوشایند قرار می‌گیرند (برای مثال افرادی که به منزل‌شان دستبرد زده می‌شود یا وسیله نقلیه‌شان به سرقت می‌رود یا افراد ناشناس به آنها حمله می‌کنند، یا از طریق دوستان، آشنایان،

رسانه‌های جمعی و... در جریان این حوادث که برای دیگران اتفاق افتاده است قرار می‌گیرند)، در فکر و رفتارشان تغییر آشکاری ایجاد می‌گردد؛ از رهگذر چنین حوادث و اتفاقاتی پيله محافظ افراد، پاره شده، ترس و اضطراب در افراد به وجود می‌آید.

در این پژوهش فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین اعتماد بین شخصی و احساس امنیت تایید نشد. به عبارت دیگر اینکه افراد تا چه اندازه به افرادی که با آنها تعاملات چهره به چهره دارند، اعتماد می‌کنند؛ چندان بر احساس امنیت آنها تاثیر نمی‌گذارد. وجود رابطه بین اعتماد تعمیم یافته و احساس امنیت (و نیز تمام شاخص‌های آن) تایید شد. به عبارت دیگر افرادی که به تمام مردم چه آنها که با ایشان تعامل داشته‌اند و چه آنهایی که با ایشان در تعامل نبوده‌اند، اعتماد دارند؛ نسبت به آنها که چنین اعتمادی ندارند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند. با توجه به وجود یا عدم وجود همبستگی میان سه نوع اعتماد بیان شده می‌توان گفت که احساس امنیت بیشتر با اعتماد نسبت به غریبه‌ها و آنها که برخوردهای مکرر قبلی با آنها وجود نداشته در ارتباط است تا آشنایان.

با توجه به همبستگی اعتماد نهادی با تمام مؤلفه‌های احساس امنیت و نیز با توجه به این که این همبستگی با شاخص‌های امنیت در سطح متوسط و نیز با احساس امنیت کل در سطح نسبتاً قوی می‌باشد، و به علاوه پایین بودن اعتماد نهادی در شهروندان، لزوم توجه به این مساله را بیشتر می‌کند. توجه به ارتقا اعتماد نهادی با نظارت بیشتر بر عملکرد نهادهای جامعه و سعی در ارتقاء آنها و نیز اعلام عملکرد و دستاوردهای آنها می‌تواند باعث افزایش رقابت و نیز بهبود عملکرد این نهادها شود. از طرفی اطلاع مردم از بهبود عملکرد سازمان‌ها و نهادها به عنوان حامیان مردم که دستیابی به جامعه مدنی را نزدیک می‌کنند، در افزایش احساس امنیت در تمام ابعاد در جامعه موثر می‌باشد.

از دیگر نتایج این پژوهش این است که بین نوع جنسیت و احساس امنیت تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بین سن و احساس امنیت رابطه مثبتی برقرار است، یعنی

هرچه سن شهروندان بیشتر بوده احساس امنیت نیز در آنها نیز بیشتر است. به نظر می‌رسد افراد هرچه جوانتر هستند بیشتر در معرض تهدیدات (اقتصادی، فکری، اجتماعی، جانی) قرار دارند. این مساله توجه به مساله امنیت برای جوانان به عنوان نسلی که باید چرخ‌های توسعه را بچرخانند ضروری می‌نمایاند. همچنین بین تحصیلات و احساس امنیت رابطه معناداری برقرار است که البته این رابطه معکوس است، یعنی با بالا رفتن تحصیلات، احساس نا امنی در شهروندان افزایش می‌یابد. این مساله به دلیل آگاهی بیشتر از مسایل و مشکلات دنیای پیرامون است. هرچه امنیت عینی در جامعه افزایش یابد با توجه به آگاهی تحصیلکرده‌ها از مسایل دنیای خارج، احساس امنیت در آنها به عنوان آینده سازان مملکت افزایش یافته و کارایی آنها ارتقاء می‌یابد.

پیشنهادها

برای بهبود احساس امنیت شهروندان می‌توان به کمک ارتقاء اعتماد اجتماعی در جامعه به این مهم دست یافت. از مشکلاتی که در این راه باید از میان برداشته شوند می‌توان به مشکلات فرهنگی، تربیتی و روانی اشاره کرد. به عبارت دیگر، پایین بودن نسبی اعتماد تعمیم یافته را باید با کار فرهنگی و تربیتی در جامعه اصلاح کرد. باید فرهنگ تعهد و مسئولیت پذیری در جامعه را نهادینه کرد و همچنین باید منفعت طلبی شخصی را به سوی منفعت طلبی گروهی و ملی کشاند. از این طریق می‌توان به تدریج به ارتقاء اعتماد تعمیم یافته دست یازید و پس از به احساس امنیت. همچنین باید تدابیری اندیشید که هر کارگزاری عملکرد خود را بهبود بخشد. آنچه به عنوان نامنی نرم افزاری از آن یاد می‌شود و به جرایم یقه سفیدان مربوط است با ارتقا اعتماد نهادی قابل ترمیم می‌باشد. با توجه به همبستگی نسبتاً قوی اعتماد نهادی و احساس امنیت، توجه به این مسئله اهمیت دو چندان می‌یابد. مسائلی چون اختلاس، رانت خواری و زدو بندهای مالی، اداری و سیاسی از جمله جرایم نرم افزاری هستند که بر احساس امنیت

بسیار تاثیر مخربی می‌گذارند. نهادهای برقرار کننده نظم همچون: پلیس، دادگستری علاوه بر اینکه می‌توانند با بهبود عملکرد خود به ارتقاء اعتماد کمک کنند بهتر است با کار فرهنگی در زمینه پیشگیری از جرایم، هزینه‌های اجتماعی ناشی از درمان و کیفر را کاهش دهند.

منابع

- ازکیا. مصطفی؛ غفاری. غلامرضا. (۱۳۸۰)، "بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در نواحی روستایی شهر کاشان"، تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷.
- امیر کافی، مهدی (۱۳۸۸)، "بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن" (مطالعه موردی شهر تهران)، فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره اول (www.ispa.ir).
- باجپایی، کانتی. (۱۳۸۴)، امنیت انسانی: مفهوم و سنجش، تألیف و ترجمه: صابر شیبانی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات. چاپ اول.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۷)، "تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی"، دو فصلنامه علوم اجتماعی (نامه علوم اجتماعی)، تهران: دانشگاه تهران: شماره ۳۵.
- بیات. بهرام. (۱۳۸۸)، جامعه شناسی احساس امنیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰)، دموکراس و سنتهای، مترجم: دلفروز، محمد تقی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور.

- جعفری، روح الله. (۱۳۸۶)، "سرمایه اجتماعی رهیافتی بدیل برای تبیین امنیت اجتماعی"، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دهم، (شماره دوم جدید).
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳)، چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: انتشارات طرح‌های ملی.
- دلاور، علی. (۱۳۸۴)، "ساخت و هنجاریابی شاخص‌های احساس امنیت در تهران"، مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی.
- روشه، گی. (۱۳۷۶)، جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات تبیان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- مک لاین، رابرت دی / لتیل، ریچارد. (۱۳۸۰)، «امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها»، ترجمه: اصغر افتخاری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صمدی بگه جان، جمیل. (۱۳۸۴)، "امنیت اجتماعی در شهر سنندج"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۲)، "درآمدی بر امنیت اجتماعی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹، بهار ۸۲.
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۴)، "چندگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی"، فصلنامه امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم.
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۵)، "گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی". فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره چهارم و پنجم.